

ایمان به فرشتگان و تاثیر آن در زندگی امت اسلام

تألیف:

دکتر صالح بن فوزان الفوزان

عضو هیئت کبار علماء

و عضو کمیسیون فتوی در عربستان سعودی

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته

عنوان کتاب:

ایمان به فرشتگان و تاثیر آن در زندگی امت اسلام

عنوان اصلی:

الإيمان بالملائكة وأثره في حياة الأمة

نویسنده:

دکتر صالح بن فوزان الفوزان

مترجم:

اسحاق دبیری

موضوع:

دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی، انسان، شیطان، جن، ملک و...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:

کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۳ مقدمه مترجم
- ۴ مقدمه نویسنده
- ۷ ایمان به فرشتگان یعنی چه؟
- ۷ فرشتگان از چه چیزی آفریده شده‌اند
- ۸ صفات فرشتگان
- ۱۲ کارهائیکه فرشتگان به آن مکلفند
- ۱۳ بعضی از اعمال و کردار فرشتگان
- ۱۳ تعداد حمل کنندگان عرش
- ۱۴ الروح، چند معنی دارد
- ۱۵ صفات جبریل
- ۲۰ هر انسان دو فرشته با اوست
- ۲۰ فرشتگان نیت و قصد انسانها را می‌نویسند
- ۲۱ منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر

- دعوتی بسوی کسانی که در کار و تکالیف شرعی کوتاهی و سستی می‌کنند ۲۲
- و جوب ایمان به فرشتگان و به آنچه انجام می‌دهند ۲۳
- اختلافاتی که بین عمل فرشتگان و عمل شیاطین وجود دارد ۲۴
- جاهائیکه فرشتگان به آنجا می‌روند ۲۶
- جاهائیکه شیاطین به آنجا می‌روند ۲۶
- نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان ۲۷
- هیچ چیز از خدا پنهان نخواهد بود ۲۸
- به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را یادآوری می‌کنیم ۳۰

مقدمه مترجم

جهان فرشتگان غیر از جهان انس و جن می باشد، جهان پاکی و خوشی و صفا است، و آنها مخلوقات با تقوی هستند، خدا را به حق عبادت می کنند، و آنچه به آنها امر شود انجام می دهند و به هیچ وجه مصعیت خدا را نمی کنند. ایمان به فرشتگان یکی از اصول ایمان به خداست، و ایمان بنده کامل نمی شود مگر با ایمان آوردن به فرشتگان خدا، باری تعالی می فرماید:

﴿ءَاٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَا اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهِ ۗ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلٌّ ءَاٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ ۗ وَكُتُبِهِ ۗ وَرُسُلِهِ ۗ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

«رسول (خدا) به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان (هم)، هریک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آوردند».

ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق کردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینکه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات خدایند، اینکه هیچ عملی نمی توانند انجام دهند مگر بفرمان خدا، به هیچ وجه بخدا شرک نمی آورند، عرش با عظمت خدا را حمل می کنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان خدایند، و غیر از اینها.

و ما این کتاب مهم که از جهان فرشتگان سخن می گوید ترجمه کردیم تا از زندگی پربار آنها با خبر شده برایمان سرمشقی در پیروی از اسلام پاک از هر شائبه شود.

مقدمه نویسنده

الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله
وصحبه أجمعين.

أما بعد:

در حقیقت ایمان مسئله ای بسیار بزرگ است، زیرا اساس و بنیانی است که
سعادت دنیا و آخرت بر آن بنیاد نهاده شده است و از بزرگترین مراتب دین است.
هنگامیکه جبریل در حضور صحابه نزد حضرت رسول اکرم ﷺ آمد و در مورد
اسلام و ایمان و احسان پرسید، گفت ای محمد! در مورد اسلام به من بگو، رسول
اکرم ﷺ فرمود: «الإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ
سَبِيلًا». [ابن خزیمه ودارقطنی]. «اسلام عبارتست از: گواهی دهی و یقین نمایی
که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و محمد فرستاده خداست، و نماز را بر پا داری، و
زکات بدهی، و ماه مبارک رمضان را روزه بگیری، و به حج خانه خدا بروی اگر توانائی راه
آنها از قبیل توشه و سواری و غیره داری».

پس آنحضرت ﷺ اسلام را به انجام ارکان پنجگانه فوق تفسیر نمود، جبریل در
جواب گفت: راست گفתי. پس: در مورد ایمان به من بگو. حضرت رسول ﷺ
فرمود: ایمان عبارت است از این که: به یگانگی خداوند - در ذات و صفات و

أفعالش - و به فرشتگان، و کتاب‌های خدا - که بر پیامبران نازل شده است - و پیغمبران خدا - که برای راهنمایی بشر آنان را فرستاده است - و روز قیامت - و آنچه مشتمل است بر آن از جزای اعمال و زندگی پس از مرگ و حساب و بهشت و دوزخ - و سرنوشت یعنی تقدیر به خیر و شر همگی اینها ایمان بیاوری. پس آنحضرت ﷺ ایمان را به تصدیق به ارکان ششگانه بالا تفسیر نمود، جبریل گفت: در مورد احسان به من بگو. آن حضرت فرمودند: نکوکاری عبارت است از این که: طوری خدا را عبادت و بندگی کنی که گویا خدا را می‌بینی، و اگر تو خدا را نمی‌بینی این یقین را داشته باش که خدا تو را می‌بیند.

آنحضرت ﷺ بیان کرد که نکوکاری فقط یک رکن دارد و آن اینکه خدا را بگونه ای عبادت کنی که او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند.

پس اینها مراتب سه گانه دین است: اسلام، ایمان، و نیکوکاری، هر مرتبه ای از مراتب آن رکنی دارد، و رکن هر چیز ستون آن چیز است که بر آن ایستاده و پا برجاست، و رکن خانه ستونی است که خانه بر آن بنا شده است.

پس ایمان بر شش رکن و ستون استوار است، که اگر یکی از ارکان آن سقوط کند انسان مؤمن نخواهد بود زیرا یکی از ارکان و ستونهای آنرا از دست داده است.

پس ایمان فقط بر ارکانش استوار است، چنانکه ساختمان بجز بر ارکان و ستونهای خودش ثابت و استوار نخواهد شد.

و این ارکان ششگانه در قرآن ذکر شده است، گاهی ارکان ششگانه یکجا در قرآن ذکر شده است، و گاهی بعضی از آنها فقط ذکر شده است، چنانکه باری تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَكِنَّ الْإِبْرَءَانَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد».

در این آیه خدا پنج رکن از ارکان ایمان را ذکر نموده است.

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿عَمَّنَ الرَّسُولِ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ عَمَّنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ﴾ [البقرة: ۲۸۵]. «رسول (خدا) به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان (هم). هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند (وگفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم)».

در آیه کریمه گذشته چهار رکن از ارکان ایمان ذکر شده است.

و گاهی باری تعالی دو رکن آن را بیان می‌رmaid و آنهم: ایمان به خدا و روز رستاخیز، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِيْنَ وَالصَّالِيْنَ مِنَ عَمَّنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [البقرة: ۶۲]. «به راستی کسانی از مؤمنان و یهودیان و ترسایان و صابئین که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند».

اما ایمان به سرنوشت و تقدیر را خداوند در دو آیه ذکر نموده است: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹] «ما هر چیز را که آفریدیم به قدر و اندازه و از روی تقدیر بود».

و ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: ۲]. «همه چیز را آفریده است، آنگاه چنانکه می‌باید آنها را به اندازه مقرر کرده است».

ایمان به فرشتگان یعنی چه؟

مطلب مورد بحث ما در اینجا ایمان به فرشتگان است که یکی از ارکان ششگانه ایمان می‌باشد و معنی آن: تصدیق به وجود آنها و تصدیق به اعمال و کردار آنهاست که در دنیا و آخرت انجام می‌دهند. و فرشتگان خلقی از مخلوقات خدایند، خداوند آنانرا برای عبادت خودش و انجام دستورهایش در دنیای هستی آفریده است، آنان را برای اجرای دستورات خود می‌فرستد، و آنان مخلوقاتی از عالم غیب هستند که ما آنها را با چشم مشاهده نمی‌کنیم، لیکن به آنها ایمان قطعی داریم که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، زیرا خداوند و رسول الله ﷺ از آنها بطور قطعی خبر داده‌اند تا ما بطور یقین به آنها ایمان آوریم.

فرشتگان از چه چیزی آفریده شده‌اند

فرشتگان از نور آفریده شده‌اند چنانکه در حدیث آمده که خداوند سبحانه فرشتگان را از نور و ابلیس را از آتش و بنی آدم را از گل آفریده است.

صفات فرشتگان

فرشتگان خلقی از مخلوقات خدا از عالم غیب هستند و هیچ کس غیر از خدا تعداد و چگونگی آنانرا نمی داند.

بعضی از صفات فرشتگان عبارتند از:

اولاً: آنها بزرگترین و عظیم‌ترین سربازان خدایند.

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [الفتح: ۴]

«سپاههای آسمانها و زمین از آن خداوند است».

و هنگامیکه خداوند صحبت از نگهبانان جهنم می کند می فرماید:

﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ [المدثر: ۳۰]

«بر آن نوزده (نگهبان) گمارده شده‌اند».

و می فرماید:

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً

لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [المدثر: ۳۱].

«و جز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساخته ایم. و شمار آنان را برای کافران

جز آزمون قرار نداده‌ایم».

و اصحاب جهنم: نگهبانان آتش هستند، یعنی در جهنم نوزده فرشته بر آتش

پاسبانی می دهند، و آنرا روشن کرده امور آن را بدست دارند.

یکی از کفار وقتی تعداد نگهبانان آتش را شنید - بخيال او که تعدادشان کم است

- گفت: من بر آنها چنین و چنان می کنم، یعنی وقتی داخل جهنم شدم با آنها جنگ

کرده بر آنان غلبه می کنم و از آتش بیرون می آیم، آنهم از باب مسخره و استهزاء این

سخنان را گفت. باری تعالی در جواب وی فرمود: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ [المدثر: ۳۱]. «وجز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساختم ایم».

یعنی آنها از بشر نیستند بلکه فرشته‌اند.

اگر این شخص با خود می‌گوید که من قدرتمند و شجاع هستم و جلوی چندین نفر از بشر مقاومت می‌کنم، نمی‌تواند مقابل یکی از فرشتگان بایستد.

باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ [المدثر: ۳۱]. «ما پاسبانان جهنم را قرار ندادیم مگر فرشتگان».

یعنی آنان را از جن و انس قرار نداده است.

و می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ [المدثر: ۳۱].

«و جز فرشتگان را موکلان آتش (دوزخ) نساختم ایم. و شمار آنان را برای کافران جز آزمون قرار نداده‌ایم. تا اهل کتاب یقین حاصل کنند. و تا مؤمنان مؤمن‌تر شوند، و تا اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند».

و می‌فرماید: ﴿وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ﴾ یعنی کفار ﴿مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا﴾ [المدثر: ۳۱]. «و بی‌مار دلان و کافران نگویند: خداوند به ایم مثل چه خواسته است؟».

پس آنان تهمت زده و تعداد فرشتگان را کم می‌دانند و می‌گویند: چگونه این آتش بزرگ که در آن تمامی مخلوقات خداست فقط نوزده فرشته بر آن پاسبانی می‌دهد؟

باری تعالی در جواب می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [المدثر: ۳۱]. «و شمار آنان را برای کافران جز آزمون قرار نداده‌ایم».

پس هیچ کس بزرگی فرشتگان و آنچه در زمین و آسمان از نگهبانان و پاسبانان است، غیر از خدا کسی دیگر نمی‌داند نه کفار و نه غیر از کفار.

دوم: خلقت فرشتگان خلقتی عظیم و بزرگ است چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعٍ﴾ [فاطر: ۱]. «ستایش خدای راست، پدید آورنده آسمانها و زمین، (کسی که) فرشتگان را پیام‌آوران دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه گرداند». یعنی بعضی از فرشتگان دو بال دارد، و بعضی دیگر سه و یا چهار بال دارد، و بعضی از آنها بال‌های بیشتری دارند.

چنانکه رسول الله ﷺ جبریل را دید که ششصد بال داشت و هر بال آن افق را پوشانیده بود.

این یک فرشته از فرشتگان است که خداوند آنها قوی قدرتمند توصیف نموده، چنانکه می‌فرماید: ﴿عَلَّمَهُو شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ [النجم: ۵]. «او را (فرشته) بس توانمند آموزش داده‌است».

و می‌فرماید: ﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ﴾ [النجم: ۶].

«(فرشته‌ای) نیرومند. آنگاه (فرازویش) راست و درست ایستاد»، یعنی قوی و خوش اندام می‌باشد.

سوم: فرشتگان به اجازه خداوند قدرتمند هستند و دلیل بر توانائی و قدرتمندی آنان این است که اگر خداوند به یکی از آنان فرمان دهد در جهان فریاد می‌کشد و تمامی خلق هلاک می‌شوند، چنانکه بر قوم ثمود چنین آمد و بوسیله فریاد فرشته همه هلاک شدند. جبریل فریادی بر آنان زد چنانکه باری تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ﴾ [القمر: ۳۱]. «بی‌گمان ما بانگ مرگباری بر آنان فرستادیم، در نتیجه مانند خاشاکی شدند که از سایه بان سازه بازماند».

پس قلب‌های‌شان از درونشان کنده شد و مردند و خاشاکی بیش از آنها باقی نماند. عادت بادیه نشینان عرب این بود که اگر به جانی کوچ می‌کردند در آنجا هیزم جمع کرده و از آن آغل (حصاری) برای گوسفندان و حیوانات خود درست می‌کردند تا از حیوانات دیگر محفوظ بمانند، و این هیزم خشک شده و تبدیل به خس و خاشاک می‌شد.

پس قوم ثمود با وجود قدرت و توانائی و نیروی زیادی که از آن برخوردار بودند بر اثر شنیدن آواز هولناک یکی از فرشتگان مانند این هیزم‌های خشک به خس و خاشاک تبدیل شدند.

و این جبریل علیه السلام بود که خداوند به او فرمان داد تا قریه‌های قوم لوط که هفت دهکده بود و در آن بشر و ساختمانها و توشه و حیوانات خیلی زیادی وجود داشت آنان را بر طرف بال خود حمل نماید و بالا برد تا اینکه فرشتگانی که در آسمان بودند صدای سگها و اذان خروس‌های آنان را شنیدند، سپس آنان را از آنجا وارونه کرده به زمین انداخت، و این نمونه ای از قدرت و قوت فرشتگان علیهم السلام می‌باشد.

إسرافیل مأمور به دمیدن در صور است و آنهم شاخ و شیپوری است که ارواح بنی آدم از اول تا آخر آنها در آن جمع شده است سپس إسرافیل علیه السلام یکبار در آن می‌دمد و تمامی ارواح بنی آدم از آن شیپور پرواز کرده به اجساد و بدن آنها داخل می‌شود و این دمیدن بعثت یعنی برخاستن می‌باشد و قبل از این دمیدن، دمیدن بی هوشی است، و با این دمیدن هر چه در دنیا بین زمین و آسمان است از بین می‌رود، و می‌میرد بجز آنچه خدا بخواهد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ﴾ [الزمر: ۶۸]. «و در (صور) دمیده شود، آنگاه آسمانیان و زمینیان (همگی) بمیرند. مگر کسی که خداوند خواسته است».

سپس بار دیگر در آن شیپور دمیده شد و آن دمیدن زنده شدن است: ﴿فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸]. «آنگاه است که آنان ایستادگانی خواهند بود که می‌نگرند». این یکی از فرشتگان خداوند است، و این یکی از کارهای اوست که خداوند به او فرمان می‌دهد.

پس فرشتگان مخلوق بزرگی از مخلوقات خدایند، و آنان را برای عبادت خود و انجام دستورات خود آفریده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿۲۹﴾﴾ [الأنبياء: ۲۶ - ۲۸]. «بلکه (آن فرشتگان) بندگان گرامی‌اند. در هیچ سخنی بر او پیشی نمی‌گیرند، و آنان به فرمان او کار می‌کنند. آینده و گذشته آنان را می‌داند و شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که (خداوند) بپسندد و آنان از بیم او در هراسند». و این توصیفی برای فرشتگان است.

کارهاییکه فرشتگان به آن مکلفند

فرشتگان کارهایی دارند و هر یک از آنها مکلف به عمل معینی هستند و هیچ تأخیری در انجام آن کار را نمی‌کنند، بلکه فوراً آنرا انجام داده و خداوند را نافرمانی نمی‌کنند.

خداوند می‌فرماید: ﴿عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحریم: ۶]. «بر آنان فرشتگان درشتخو و سخت‌رو (گمارده‌اند) که خداوند را در آنچه به آنان فرمان دهد، نافرمانی نکنند. و آنچه را که فرمان می‌یابند، انجام می‌دهند».

بعضی از اعمال و کردار فرشتگان

أولاً: فرشتگانی هستند که مأمور جهنمند و نام آنان نگهبان است، و موکل به آتش و تعذیب جهنمیان می‌باشند.

دوم: فرشتگانی هستند که مأمور به حمل عرش خداوند سبحانه و تعالی می‌باشند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِءِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا﴾ [غافر: ۷]. «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند (می‌گویند): پروردگارا، بخشایش و دانش تو همه چیز را فراگرفته است. پس آنان را که توبه کرده‌اند، بیامرزش».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ﴾ [الحاقة: ۱۷]. «و آن روز هشت (تن از فرشتگان) عرش پروردگارا را بر فرازشان بر می‌دارند».

تعداد حمل‌کنندگان عرش

حمل‌کنندگان عرش چهار فرشته‌اند و روز قیامت تعداد آنان زیاد شده به هشت فرشته می‌رسند.

و عرش خداوند از بزرگترین مخلوقات خداست که روز قیامت هشت فرشته آنرا حمل می‌کنند.

و این بر قدرت و توانائی فرشتگان دلالت دارد، زیرا آنان این عرش بزرگ را که از بزرگترین مخلوقات خدا است بر دوش خود حمل می‌کنند.

سوم: و تعدادی از فرشتگان مأمور وحی هستند چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُو
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿۲﴾﴾ [النحل: ۲]. «به اراده خویش فرشتگان را با وحی بر
هرکس از بندگانش که بخواهد، نازل می‌کند (با این پیام) که: هشدار دهید: هیچ معبود
(حقی) جز من نیست، پس از من پروا بدارید».

الروح، چند معنی دارد

که از جمله معانی آنها چنین است:

روح بمعنی: وحی، و آنرا روح نامیده‌اند زیرا قلبها را زنده می‌کند چنانکه باران
زمین را زنده می‌کند، و چنانکه روح و جان آفریده شده بدن حیوانات را زنده می‌کند.
روح بمعنی: قرآن، خداوند سبحانه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا
مِّنْ أَمْرِنَا﴾ [الشوری: ۵۲]. «و همچنین (قرآن را به مثابه) روحی از کلام خود به تو
وحی کردیم».

در این آیه روح بمعنی قرآن است، زیرا بوسیله قرآن دل‌های اهل ایمان زنده
می‌شود، همانطوریکه زمین با باران زنده می‌شود دل‌های مؤمنان با قرآن زنده می‌شود.
و روح بمعنی: جبریل است، و او بزرگترین و بهترین و شرافتمندترین فرشتگان
است که قرآن را از نزد خداوند ﷺ بر محمد ﷺ نازل فرموده است.

خداوند جل شانه می‌فرماید: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۳﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ
لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿۱۹۵﴾﴾ [الشعراء: ۱۹۳-۱۹۵]. «روح
الأمین آن را فرود آورده است. بر دل تو تا از هشداردهندگان باشی. به زبان عربی روشن».
پس جبریل قرآن را بر قلب پیامبر ﷺ نازل کرد و پیامبر ﷺ آنرا بر امت خود
تبلیغ فرمود.

خداوند تعالی در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ﴾ [النحل: ۱۰۲]. «بگو ای رسول خدا که: روح پاک یعنی جبریل قرآن را از نزد پروردگارت فرود آورد».

یعنی جبریل روح القدس است.

صفات جبریل

خداوند جبریل را به صفتهای عظیم و بزرگی توصیف فرموده: و می‌فرماید: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْحُنُودِ ۝۱۵ الْجُوارِ الْكُنُوسِ ۝۱۶ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ۝۱۷ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝۱۸ إِنَّهُ وَلَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝۱۹ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝۲۰ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۝۲۱﴾ [التکویر: ۱۵ - ۲۱]. «پس سوگند می‌خورم به ستارگان باز گردنده. (ستارگان) سیارِ نهران شونده. و به شب چون بازگردد. و به صبح چون بدمد. بی گمان آن برخوردار فرستاده ای بزرگوار است. توانمند به نزد صاحبِ عرش، صاحب منزلت. فرمانبرداری شده در آنجا. امین».

صفت اول: قدرت.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ [التکویر: ۲۰]. «توانمند به نزد صاحبِ عرش»، ﴿ذِي الْعَرْشِ﴾ «صاحب عرش»، ﴿ذِي قُوَّةٍ﴾ «فرشته توانمند». این صفت جبریل است.

صفت دوم: منزلت ﴿مَكِينٍ﴾ «نزد پروردگار صاحب عرش دارای منزلت و مکان است».

یعنی صاحب منزلت و مکان نزد خداوند که کسی غیر از او به چنین مقام و منزلتی نمی‌رسد.

صفت سوم: طاعت «مُطَاع». «در بین فرشتگان فرمانروا (فرمانده) است». تمامی فرشتگان به امر و فرمان خداوند از جبریل اطاعت می‌کنند.

صفت چهارم: امانت «أَمِين».

«در حمل قرآن و تبلیغ آن به رسول الله ﷺ و آنچه به او امر شود امین است». یعنی بر وحی امین است، هیچ چیزی از آنرا کم و زیاد نمی‌کند بلکه آنرا همچنانکه خداوند نازل کرده می‌رساند.

محمد ﷺ جبریل را مشاهده نمود: خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲]. «دوست و هم صحبت شما که در میان شما بزرگ شده و او را شناخته و ستوده‌اید (رسول اکرم ﷺ) دیوانه نیست و هرگز امکان دیوانگی برای او نیست». چنانکه کفار می‌گفتند: محمد ﷺ دیوانه است.

﴿وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ﴾ [التکویر: ۲۳]. «به راستی (او) آن (فرشته) را در کرانه آشکار آسمان دید».

محمد ﷺ دو بار جبریل علیه السلام را در افق مشاهده کرد.

بار اول در بطحاء مکه (یکی از محله‌های شهر مکه)، وقتی سر خود را بلند کرد او را در ابرهای آسمان دید که ششصد بال دارد و هر بالای افق را پوشانیده است.

بار دوم: خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ﴾ [النجم: ۱۳ - ۱۴]. «و به راستی او را باری دیگر دیده بود. در نزد سدره المنتهی (یعنی جبریل را) رسول مشاهده کرد».

(و آن در محلی است که منتهی و آخر عروج به آسمان است و فرشتگان و ارواح شهداء و پرهیزکاران از آن بالاتر نروند).

رسول الله ﷺ در شب معراج در آسمان چنانکه خداوند جبریل را آفریده او را دید. آنچه گذشت بعضی از صفات جبریل بود.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ وَلَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾﴾ [الحاقة: ۴۰]. «قرآن کلام خدا گفتار پیغمبری بزرگوار است».

یعنی قرآن کلام خداوند سبحانه و تعالی است ولی در اینجا به جبریل منسوب داده شده زیرا او به محمد ﷺ رسانیده است، پس او مبلغی از طرف خداوند است و آنرا به پیغمبر اکرم ﷺ رسانیده و آن کلام خداوند می‌باشد.

و سخن به کسی اضافه می‌شود که در آغاز آنرا گفته باشد، نه کسی که آنرا به کسی دیگر ابلاغ کند، ولی اینجا به جبریل منسوب شده چون وی ابلاغ کننده است. چهارم: فرشتگانی هستند که مأمورند به اعمال و کردار دیگرند مانند:

۱- میکائیل مأمور است به نزول باران از آسمان که آنرا سوق می‌دهد در حالیکه خداوند سبحانه به او فرمان داده است.

۲- اِسْرَافِیل که مأمور به دمیدن در شیپور است وقتی خدای تعالی بخواهد مردم را از قبرهایشان برانگیزد و جسد‌ها از قبرها می‌رویند و کامل می‌شوند و چیزی بجز روح باقی نمی‌ماند، در این وقت اِسْرَافِیل به فرمان خداوند در شیپور می‌دمد و ارواح به اجساد داخل می‌شود که از قبرها روئیده بود و بلند شده بودند، سپس به جانی که خداوند به آنان فرمان داده می‌روند.

خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفِضُونَ ﴿٤٣﴾﴾ [المعارج: ۴۳]. «روزی که از گورها شتابان بیرون آیند که گوئی آنان به سوی نشانه (بتهایی که می‌پرستیدند) می‌دوند».

همچنان باری تعالی می‌فرماید: ﴿خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾ مَهْطِعِينَ إِلَىٰ الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾﴾ [القمر: ۷-۸]. «در حالی که دیدگان‌شان فرو هشته باشد. از گورها چنان بیرون می‌آیند که گوئی آنان ملخهای پراکنده‌اند».

این سه فرشته مأمور زندگی و حیات هستند پس: جبریل مأمور وحی است که با آن قلبها زنده میشود، و میکائیل مأمور باران است که زمین را بعد از مردن زنده می‌کند، و اسرافیل مأمور دمیدن در صور (شیپور) است که اجساد را از قبرها زنده می‌کند. به همین خاطر رسول اکرم ﷺ در نماز شب وقتی در شب برای خواندن نماز بلند می‌شد بعد از تکبیر تحریمه چنین می‌گفت: «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» [مسلم]. «خدایا، ای پروردگار جبریل و میکائیل، آفریننده آسمانها و زمین، تا آخر این دعاء». پس اینها عظیمترین فرشتگان هستند بخاطر بزرگی مأموریت آنها.

پنجم: فرشتگانی هستند که مأمورند به نطفه در شکم مادر چنانکه در حدیث عبدالله بن مسعود آمده که گفت: «حدثنا رسول الله ﷺ وهو الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْفَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ، فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، وَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكُتْبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ» [متفق علیه]. «فرستاده خدا ﷺ بما فرمود و اوست پیغمبر راستگو و تصدیق شده: محققاً خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می‌گیرد: چهل روز بحالت نطفه است، پس از آن لخته ای از خون می‌شود در چهل روز، پس از آن تکه گوشتی می‌شود در چنین مدتی، پس از سه چهل روز(که جمعاً صد و بیست روز خواهد بود) خداوند فرشته ای بسوی او می‌فرستد تا در آن روح بدمد، و فرشته مأمور است به نوشتن چهار کلمه: نوشتن روزیش، مدت عمرش، کردارش، و اینکه بدبخت یا نیک بخت است.»

خداوند سبحانه و تعالی این فرشته را به این امر مهم و بزرگ به طرف او می‌فرستد. ششم: و فرشتگانی هستند که به قبض و گرفتن روح و جانها مأمورند تا اینکه عمر او پایان یابد، و در اینجا (ملک الموت) فرشته مرگ است، چنانکه خدا

می‌فرماید: ﴿قُلْ يَتَوَفَّلَكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ﴾ [السجدة: ۱۱]. «بگو: فرشته (مأمور) مرگی جانتان را می‌ستاند».

و فرشته مرگ (ملک الموت) با خود همراهانی دارد، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ﴾ ﴿۱۱﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقِّ﴾ [الأنعام: ۶۱ - ۶۲]. «تا وقتی که مرگ کسی از شما فرا رسد. فرستادگان ما روح او را بگیرند. و آنان کوتاهی نمی‌کنند. آنگاه به سوی خدا سرور راستیشان بازگردانده شوند».

و مرگ به فرشتگان و به فرشته مرگ (ملک الموت) و به خداوند نسبت داده شده است: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ [الزمر: ۴۲]. «خداوند جانها را به هنگام مرگشان می‌ستاند».

و اینجا مرگ به خداوند نسبت داده شده، زیرا او سبحانه به آن امر فرموده و به فرشتگان نسبت داده شده، زیرا آنان هستند که جان را از بدن جمع کرده تا اینکه به حلقوم برسد و به (ملک الموت) فرشته مرگ نسبت داده شده: ﴿قُلْ يَتَوَفَّلَكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ﴾ [السجدة: ۱۱].

زیرا او روح را قبض می‌کند در حالیکه در حلقوم جمع شده است.

هفتم: فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری اعمال و کردار بنی آدم مأمورند، چنانکه در حدیث آمده: «يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ» [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می‌شوند، گروهی شب می‌آیند و گروهی روز می‌آیند. و خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [الإنفطار: ۱۰ - ۱۲]. «و بی‌گمان نگهبانان بر شما گمارده شده‌اند. نگارندگان گرانقدر. آنچه را که می‌کنید می‌دانند».

هر انسان دو فرشته با اوست

بر هر یک از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی‌های او را می‌نویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را می‌نویسد، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾ [ق: ۱۷ - ۱۸]. «وقتی دو فراگیرنده‌ای که در سمت راست و سمت چپ نشسته‌اند، فراگیرند. هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد».

این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترک نمی‌کنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را می‌نویسند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را می‌نویسند

و در حدیث وارد است که نیت و قصد آنچه در قلب بنی آدم است، و آنرا در قلب می‌گوید، و آنچه نیت می‌کند که آنرا انجام دهد فرشته آنرا می‌نویسد. به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او می‌رسد، و بر نیت بد نیز مجازات می‌شود، زیرا نیت عمل قلبی است. فرشتگان مأمورند بر انسان از وقتی که به سن بلوغ برسد تا اینکه از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده می‌نویسند.

منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر

رسول الله ﷺ فرمودند: «يَتَعَاقِبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ يَجْمَعُونَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَفِي صَلَاةِ الْفَجْرِ...». [متفق علیه].

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می‌شوند، گروهی شب می‌آیند و گروهی روز می‌آیند، و اینها صبح و عصر با هم یک جا جمع می‌شوند. باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ یعنی نماز صبح. و می‌فرماید: ﴿إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: ۷۸]. «بی‌گمان قرآن خواندن فجر (نماز صبح) با حضور فرشتگان است».

فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می‌شوند، و به قرآنی که در نماز تلاوت می‌شود گوش می‌دهند، و در نماز عصر حاضر با هم جمع می‌شوند خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می‌داند از آنها سؤال می‌کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترک کردید؟ آنها می‌گویند: آنها را ترک کردیم در حالیکه نماز می‌خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می‌خواندند. یعنی فرشتگان نازل شدند و ما در نماز عصر بودیم، و با ما در نماز حاضر بودند، و بالا رفتند در حالیکه ما در نماز صبح بودیم، و به اینخاطر نماز عصر، نماز وسطی یعنی میانه نامیده شده است که خداوند بر آن تشویق کرده می‌فرماید:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ [البقرة: ۲۳۸]. «بر (گذاردن) نمازها و (بویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید».

یعنی نماز عصر زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می‌شوند.

دعوتی بسوی کسانیکه در کار و تکالیف شرعی کوتاهی و سستی می‌کنند

کجا هستند کسانیکه از نماز صبح تخلف کرده بر فراش خود می‌خوابند و این منظر بزرگ را در هر شب با فرشتگان خدا مشاهده نمی‌کنند، فرشتگان خدا در عالم بالا (عالم ارواح مجرده) از آنان خبر می‌دهند که: بر آنان وارد شدیم در حالی که در نماز بودند، و آنان را ترک کردیم در حالی که در نماز بودند، چه فایده ای می‌کند کسیکه از نماز صبح تخلف کرده و خواب را بر نماز ترجیح می‌دهد، و چه فایده ای می‌کند کسیکه از نماز عصر سستی و کوتاهی کرده و خواب یا کارهای دیگر را بر نماز عصر ترجیح می‌دهد؟ در حدیث آمده: «مَنْ فَاتَتْهُ صَلَاةُ الْعَصْرِ فَكَأَنَّهَا وَتَرَ أَهْلَهُ وَمَالَهُ». [متفق علیه]. «کسیکه نماز عصر از او فوت شود مانند اینکه اهل و مال او از بین رفته است»، و در حدیث دیگر: «فقد حبط عمله» «مانند اینکه تمامی اعمال و کردار او نابود شده است». یعنی نماز را از وقت خود خارج کرده، و اگر از وقت آن خارج شود مانند اینکه از او فوت شده است.

هشتم: فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری انسان از هلاکت مأمورند، زیرا انسان راه می‌رود در حالیکه در خطر است، ولیکن خداوند فرشتگانی را مأمور کرده تا انسان را از خطر این دنیا که مقدر و سرنوشت او است نگهداری کنند.

و این زمین که انسان بر آن زندگی می‌کند در آن خطرهای وجود دارد از قبیل حیوانات وحشی، و مارها، و عقربها، و در آن طاغوت‌هایی از بشر وجود دارد، و همچنین در آن ظلم و ستم وجود دارد، ولیکن خداوند این فرشتگان را قرار داده تا انسان را نگهداری کنند چنانکه می‌فرماید: ﴿لَهُرُّ مُعَقِّبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ﴾ [الرعد]:

[۱۱]. «او از فرار و پشت سر خویش فرشتگانی پیابند دارد (که او را نگهداری می‌کنند)».

به دستور خداوند او را حفظ می‌کنند، و مادامیکه خداوند برای او سلامتی نوشته این فرشتگان از او دفاع می‌کنند و هیچ بشری به او نمی‌رسد، و اگر خداوند خواست که مرگ و اجل او فرا رسد، فرشتگان او را ترک می‌کنند. و همیشه یکی از فرشتگان از جلو و دیگری از پشت سر، او را نگهداری می‌کنند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ﴾ [الرعد: ۱۱]. «خداوند آنچه را که قومی در خود دارند دگرگون نمی‌سازد تا وقتی که آنچه را در ضمیر خود دارند، دگرگون سازند. و اگر خداوند برای قومی بدی را اراده کند، آن باز گرداندنی ندارد».

اگر سرنوشت او آمد و خداوند هلاکت آن انسان را خواست فرشتگان که مأمور نگهداری او هستند او را ترک می‌کنند، زیرا آنان خلاف فرمان خدا عمل نمی‌کنند. **نهم:** فرشتگانی در این جهان هستند که مأمورند به اعمال و کرداری که جز خداوند کسی آنرا نمی‌داند.

فرشتگانی هستند که به دریاها مأمورند، و فرشتگانی هستند که به رودها مأمورند، و دیگرانی هستند که به اعمال و کردار بسیار زیاد دیگر مأمورند، این عالم و جهان که این همه رویدادها در آن پدید می‌آید همه در تقدیر و سرنوشت خداوند تعالی هستند، و فرشتگان به فرمان خدا به اجرای اینها می‌پردازند.

وجوب ایمان به فرشتگان و به آنچه انجام می‌دهند

از جمله فرشتگان آنها هستند که خداوند نام آنان را برایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل و مالک نگهبان جهنم: ﴿وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّنَا﴾ [الزخرف: ۷۷]. «و (دوزخیان) ندا دادند: ای مالک، (بخواه) که پروردگارت کار ما را یکسره کند».

و فرشتگانی هستند که خداوند نام آنان را بر ایمان ذکر نفرموده است، و ما به تمامی آنان ایمان می‌آوریم چه آنانیکه نامشان ذکر شده و چه آنانیکه نامشان ذکر نشده است، و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می‌دهند ایمان می‌آوریم.

و فرشتگانی هستند در آسمان که مشغول عبادت و رکوع و سجود خدایند، و هیچ جایی از آسمان نیست مگر اینکه فرشته‌ای از فرشتگان در حال رکوع و سجود خداست.

و فرشتگانی هستند که جز خداوند کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور اجمالی ایمان می‌آوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و بطور تفصیلی ایمان می‌آوریم به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده، و آنان را دوست داریم. و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می‌کنند، و به نیکی فرمان می‌دهند، و برای آنان استغفار می‌کنند، چنانکه خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ [غافر: ۷]. «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند».

اختلافاتی که بین عمل فرشتگان و عمل شیاطین وجود دارد

- ۱- فرشتگان تسبیح و تزییه و سپاس خداوند را می‌گویند، و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنی آدم هستند، و شیاطین از خائن‌ترین مخلوقات خدا به بنی آدم می‌باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته‌اند که تا آنجائیکه بتوانند بنی آدم را گمراه کرده فریب دهند و او را به هلاکت برسانند.
- ۲- فرشتگان به نیکی و خوبی امر می‌کنند.

و شیاطین به فساد و بدی امر می‌کنند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ وَشَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ وَ قَرِينٌ ﴿۳۶﴾﴾ [الزخرف: ۳۶]. «و هرکس از یاد (خداوند) رحمان غافل شود برایش شیطانی برمی‌گماریم، و آن (شیطان) همنشین او گردد».

پس کسانی که از قرآن اعراض کرده و به آن پشت کنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب می‌دهد به اینکه شیطانی بر او مسلط و چیره کرده تا همیشه همراه او باشد. و همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿۳۷﴾﴾ [الزخرف: ۳۷-۳۸]. «و آنان (شیطانها) اینان (انسانها) را از راه (خدا) باز می‌گرداند و می‌پندارد که آنان راه یافته‌اند. تا هنگامی که (انسان) به نزد ما آید، (به شیطان) گوید: ای کاش بین من و تو مسافت شرق و غرب فاصله بود. چه بد همنشینی بودی».

و چیزی انسان را از شیطان دور نمی‌کند بجز ذکر و یاد خدای تعالی.

۱- اینکه ذکر خداوند شیطان را از او می‌راند و فرشتگان نزد او حاضر می‌شوند.

و به همین سبب شیطان را: الوسواس الخناس نامیده‌اند.

و هرگاه انسان ذکر خداوند را ترک کرد شیطان بسوی او می‌آید و هرگاه ذکر خدا کند فرشتگان دور او جمع می‌شوند، چنانکه در حدیث آمده: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَعَشِيَّتُهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتُهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» [مسلم]. «هرگاه گروهی از مردم در خانه‌ای از خانه‌های خدا (یعنی در یکی از مساجد) کرد آید تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آنرا بهم بفهمانند آرامش بر دل‌های ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشانرا در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان کسانی که نزد اوست یاد کند».

جاهائیکه فرشتگان به آنجا می‌روند

فرشتگانی هستند که جهانگردند و در جستجوی حلقه‌های ذکر و درس هستند، و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر می‌گویند: بیائید که نیاز خود را پیدا کردیم.

و حلقه‌های ذکر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:

- ۱- تلاوت قرآن، پس هرکس قرآن را تلاوت کند ذکر خدا را بجا آورده است.
- ۲- کسیکه نماز می‌خواند ذکر خدا را بجا آورده است.
- ۳- و کسیکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار و سپاس خدا کند ذکر خدا را بجا آورده است.

در اینجا فرشتگان اطراف و پیرامون آنها جمع می‌شوند و شیاطین از آنها دور می‌شوند.

- ۴- کسیکه کتاب‌های علمی را مطالعه می‌کند و برای علم و دانش حلقه می‌زند تا علم و دانش بیاموزد ذکر خدا بجا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع می‌شوند.

جاهائیکه شیاطین به آنجا می‌روند

- ۱- کسانیکه وقت خود را بیهوده صرف می‌کنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحنه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع می‌شود و فرشتگان از آنها فاصله می‌گیرند.

- ۲- کسیکه عکس جاندار در خانه آویزان کند فرشتگان به خانه‌اش داخل نمی‌شوند چنانکه در حدیث آمده: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ

كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ» [متفق علیه]. «فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و عکس

باشد داخل نمی‌شوند».

پس فرشتگان رحمت به خانه‌هایی که در آن عکس وجود دارد داخل نمی‌شوند، حال اینکه این عکسها بر دیوار آویزان باشد و یا در قالب و صندوق برای یادبودی و قشنگی دیوارها و خانه‌ها باشد. و این عکسها که جاندار هستند فرشتگان را فراری می‌دهند و فرشتگان به چنین خانه‌هایی داخل نمی‌شوند.

ولی اگر عکسها برای ضرورت باشد مانند عکس شناسنامه، و گذرنامه، و کارت شناسائی، و گواهینامه، و مانند اینها، برای اینگونه عکسها استثناء وجود دارد، زیرا برای تعظیم گذاشته نشده است. و همچنین عکس‌هایی که در قالیچه زیر پا باشد، مستثنی است. و قصد ما عکسهائی است که برای یاد بود و فخر نگهداری می‌شود، و ضرورتی برای آنها وجود ندارد، اینهاست که شیاطین را بخود جلب می‌کند، و فرشتگان را از خود می‌راند و از ورود فرشتگان جلوگیری می‌کند.

نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان

ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، و اگر انسان دانست که چنین است احتیاط می‌کند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری می‌کنند، در اینحال احتیاط می‌کند تا اینکه چیزی بر او نوشته شود. آیا اگر بداند که جاسوسی دنبال او می‌باشد و از او مراقبت می‌کند آیا احتیاط نمی‌کند که ممکن است حرفی بزند و یا کاری انجام دهد که به ضرر او تمام شود؟ پس چطور از فرشتگان پرهیز نمی‌کند در حالیکه او آنها را نمی‌بیند و بشر جاسوسها را می‌بیند، کسیکه تو را نهبانی می‌دهد و زیر نظر قرار دارد مواظب خود خواهی شد، ولی فرشتگان تو را می‌بینند و تو آنها را نمی‌بینی، ممکن است خود را از بشر پنهان کنی و

داخل خانه ای شوی، یا دری بر خود ببندی تا از تو با خبر نشود ولی فرشتگان در هر جا که باشی با تو همراهند. خداوند ﷻ به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد برسند، به همین خاطر خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْنَا لَلْحَفِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [الإنفطار: ۱۰-۱۲]

خداوند اینرا فرموده تا ما مواظب خود باشیم.

واین ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود خواهد بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد.

هیچ چیز از خدا پنهان نخواهد بود

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿۱﴾﴾ [الطارق: ۴]

«هیچ کسی نیست مگر آنکه (فرشته‌ای) بر او نگهبان است.»

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾﴾. «و ما به او از رگ جان نزدیک‌تریم.»

آیا می‌دانید الوریید چیست؟ ورید انسان رگی است که در دو طرف گردن قرار دارد و خون در آن جاری است، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ گردن می‌باشد و در آن خونی است که جسم انسان با آن تغذیه می‌شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱﴾﴾ و همچنان می‌فرماید: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ﴿۳﴾﴾ [الحديد: ۳].

«اوست اول (و نخست) که پیش از او هیچ کس نبوده) و آخر (که همه فنا شوند و او بماند که بعد از او کسی نیست)، و ظاهر (و ما فوق همه) و باطن (و دور از دید همه)».

رسول الله ﷺ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ»

وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ» [مسلم]. «تو نخستینی که قبل تو چیزی نیست، و تو آخرینی که بعد از تو چیزی نیست، تو آشکاری که آشکارتر از تو چیزی نیست، تو پنهانی که پنهانتر از تو چیزی نیست».

پس هیچ چیزی در خشکی و دریا، و رودها، و صحراها، و بازارها، و مساجد، و نماشگاهها، و یا میدانهای بازی، و در همه جا، از خدای عَلَّمِكُمْ مَخْفَى و پنهان نخواهد شد.

نیکی‌ها و بدیها از خداوند مخفی و پنهان نخواهد بود، و به همین خاطر وقتی جبریل عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره احسان و نیکی سؤال کرد، و گفت: مرا از احسان و نیکی با خبر ساز، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» [مسلم]. «احسان عبارتست از اینکه خداوند را بگونه ای عبادت نمایی گویا تو را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی همانا او تو را می‌بیند». و خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾ إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾﴾ [ق: ۱۶-۱۸]. «و ما از رگ گردنش به او نزدیکتر هستیم، دو فرشته ای که گفتار و کردار شخص را دریافت کرده و آنرا می‌نویسند که یکی از طرف راست و دیگری از طرف چپ او نشسته است و همنشین او هست».

و می‌فرماید: ﴿أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿۸۰﴾﴾ [الزخرف: ۸۰]. «آیا گمان می‌برند که ما رازگویی و نجوای آنان را نمی‌شنویم. آری (می‌شنویم) و فرشتگان ما در نزد آنان می‌نویسند».

پس خداوند حرف زدن آهسته بین دو نفر و راز و نیاز کردن و آنچه سرّ می‌باشد می‌شنود، و فرشتگان آنرا می‌نویسند و این از نشانه ایمان به فرشتگان می‌باشد.

به خاطر دوست داشتن فرشتگان آنان را یادآوری می‌کنیم

ذکر و یادآوری فرشتگان فقط برای علم و دانش و درک چیزی نیست چنانکه تاریخ را مطالعه می‌کنیم، بلکه ما آنان را یادآوری می‌کنیم تا اینکه آماده شویم و بر حذر باشیم که چیزی از بدی‌ها بر ما نوشته شود و روز قیامت مورد بازخواست خداوند قرار گیریم و مجازات شویم.

همچنین بخاطر دوست داشتن آنان را یادآوری می‌کنیم، زیرا خداوند آنانرا دوست می‌دارد و همچنین ما آنان را دوست می‌داریم زیرا نیکوترین و فرمانبردارترین مخلوقات خدایند.

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿كِرَامٌ بَرَرَةٌ﴾ [عبس: ۱۶] «(فرشتگانی) گرامی و نیکوکار».

خلاصه اینکه بایستی قدر و منزلت فرشتگان را بدانیم و آنانرا دوست بداریم، زیرا خداوند آنان را دوست می‌دارد.

ولی کسی که با فرشتگان دشمنی کند و آنان را دوست ندارد، خداوند دشمن او خواهد بود. و کسیکه خداوند با او دشمن شود قیامت او بلند شده و حالی نخواهد داشت.

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۹۸]. «کسی که دشمن خدا و فرشتگان او و رسولانش و جبرئیل و میکائیل باشد، (بداند که) خدا دشمن کافران است».

و کسیکه با آنان دشمنی کند خداوند دشمن او خواهد بود.

و در پایان از خداوند ﷻ خواستارم که ما و شما را ایمان صادق و علم و دانش مفید و عمل و کردار نیک و صالح عطا فرماید.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه وسلم.